



آمریکا در توافق هسته‌ای به وعده‌هایش عمل نکرد/ می‌خواهند برجام 2 و 3 و 4 را به نخبگان ما بقبولانند

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با بیان اینکه آمریکا در توافق هسته‌ای به وعده‌هایش عمل نکرد، فرمودند: می‌خواهند برجام‌های دیگری را در مسایل منطقه و حتی قانون اساسی تحت عنوان برجام 2 و 3 و 4 به نخبگان ما بقبولانند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با بیان اینکه آمریکا در توافق هسته‌ای به وعده‌هایش عمل نکرد، فرمودند: می‌خواهند برجام‌های دیگری را در مسایل منطقه و حتی قانون اساسی تحت عنوان برجام 2 و 3 و 4 به نخبگان ما بقبولانند.

به گزارش گروه سیاسی خبرگزاری فارس، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در اولین روز سال 95 در جمع زائران حرم رضوی در مشهد مقدس به ایراد سخنان مهمی پرداختند که متن این سخنان را در زیر می‌خوانید:

* سال جدید را مجدداً به همه برادران و خواهران تبریک عرض می‌کنم. امسال تنها کمبودی که در این سفر و در این جلسه احساس می‌کنیم، فقدان برادر عزیزمان جناب آقای طیبی است. عالم مجاهد و مبارز و خدمتگزار با اخلاص این بارگاه مقدس. وجود ایشان، وجود مغتنمی بود جزو سابقین انقلاب محسوب می‌شدند و فقدان ایشان برای همه کسانی که ایشان را می‌شناختند به معنای حقیقی کلمه یک ضایعه بزرگ است. از خداوند می‌خواهیم که روح مطهر ایشان را در سایه الطاف حضرت رضا(ع) قرار دهد و از رحمت و مغفرت خود بهره‌دار کند.

* بحث امروز را از شعار امسال آغاز می‌کنم. در ادامه توضیحاتی که برای شما عزیزان و برای کسانی که این صحبت‌ها بعداً خواهند شنید عرض خواهم کرد. مایلم بحثی که انجام می‌گیرد یک بحث منطقی باشد. بحث‌های شعاری امروز جایگاه زیادی در ذهن مردم ما ندارد. مردم ما جوانان ما، آحاد جامعه ما، فقیه‌اند. به مسائل با چشم منطقی و استدلال نگاه می‌کنند. آنچه که عرض می‌کنیم مایلم که برای اقشار مردم عزیزمان، به صورت یک بحث مطلق و منطقی عرضه شود.

* علت انتخاب شعار امسال را هم، شعار اقتصادی انتخاب کردیم یک تحلیل و یک نگاه به مجموعه مسائل کشور است. شاید در ذهن بعضی می‌گذشت که ترجیح دارد شعار سال، امسال یک شعار فرهنگی باشد یا شعار اخلاقی، لیکن با توجه به مجموعه مسائل کشور، به نظر رسید که امسال هم مثل چند سال دیگر قبل از این، شعار سال را که باید به صورت گفتمانی در میان مردم و افکار عمومی کشور رواج پیدا کند یک شعار اقتصادی قرار دهیم.

* این تحلیل را عرض می‌کنم، مایلم جوانان عزیز ما، آنچه را که می‌شنوند پیش خود تجزیه و تحلیل کنند و روی آن فکر کنند؛ در این مقطع زمانی، سیاست‌های استکبار و به خصوص سیاست‌های آمریکا، اقتضا می‌کند که یک تفکری تزریق شود در میان ملت ما. اول در میان نخبگان جامعه و بعد از آن به تدریج به افکار عمومی منتقل شود. یک تفکر خاصی تزریق شود به افکار عمومی.

* آن سیاستی که مورد نظر آن‌هاست، این است که وانمود کنند ملت ایران بر سر یک دو راهی قرار دارد و چاره‌ای ندارد جز این که یکی از دو راه را انتخاب کند. آن دوراهی عبارت است از این که یا با آمریکا کنار بیاییم یا باید به طور دائم فشارهای آمریکا و مشکلات ناشی از آن را تحمل کنند. یکی از این دو راه را ملت ایران باید انتخاب کنند. کنار آمدن با آمریکا به معنای کنار آمدن با هیچ دولت دیگری نیست. چون دولت آمریکا دارای ثروت، دارای دستگاه‌های تبلیغاتی وسیع و دارای سلاح‌های خطرناک و دارای امکانات بسیاری است. طبیعت توافق با آمریکا همین است. دیگران هم که با آمریکا توافق کردند، کشورهای دیگر در هر مسئله‌ای، معنایش این است که از مواضع خود به نفع طرف مقابل عقب‌نشینی می‌کنند بدون اینکه طرف مقابل به نفع آن‌ها عقب‌نشینی قابل توجهی انجام دهد.

* در همین توافق اخیر هسته‌ای هم اگر چه این توافق را ما تأیید کردیم و برگزار کنندگان این توافق را مورد قبول اعلام کردیم و قبول داریم آن را، لیکن اینجا هم همین بود. وزیر خارجه ما در مواردی به بنده گفت که ما اینجا را نتوانستیم این خط قرمز را نتوانستیم حفظ کنیم. معنایش همین است. یعنی طرف مقابل وقتی دولتی مثل امریکاست که پول و امکانات و دیپلماسی فعال و عوامل گوناگونی در اطراف دنیا دارد. کنار آمدن با او به معنای صرف نظر کردن از برخی چیزهایی است که انسان بر آن‌ها پای می‌فشارد. این یک دوراهی است که بر طبق سیاست‌های آمریکا یک دوراهی ناگزیر و یک دوگانه اجتناب‌ناپذیر است. یا باید در مقابل امریکای و خواست‌های او در موارد بسیاری کوتاه بیاییم یا باید فشارهای آمریکا و تهدیدات و ضررهای ناشی از آن را تحمل کنیم. این‌ها می‌خواهند این را به عنوان یک گفتمان در میان نخبگان جامعه ترویج کنند و به تدریج آن را در میان مردم و افکار عمومی سرریز کنند. در داخل و خارج از کشور این فکر را دارن ترویج می‌کنند و به شکل‌های گوناگونی با بیان‌های مختلفی در وسایل ارتباط جمعی دنیا دارن این را گسترش می‌دهند.

* البته در داخل هم کسانی هستند که این فکر را قبول دارند و قبول کردند و تلاش می کنند که به دیگران هم بقبولانند. حرف ان ها این است طرف مقابل یعنی دستگاه جریان ساز می گوید ایران دارای ظرفیت های فراوان اقتصادی است. هدف از توافق این بود که کشور ایران، بتواند از این ظرفیت ها استفاده کند حال این توافق کافی نیست و مسائل دیگری هم هست در ان ها هم باید ملت و دولت ایران تصمیم بگیرند و اقدام کنند. مثلاً امروز در منطقه غرب آسیا، یعنی منطقه ای که غربی ها می گویند خاورمیانه، جنجال ها و اشفتهای بسیاری هست. این مشکل برای کل منطقه است. اگر می خواهید کشور شما از این مشکل نجات پیدا کند باید سعی کنید مشکل فرو نشینی کند باید با امریکا بنشینید و مدلی را طبق مدل و میل امریکا انتخاب کنیم. یا مشکلات دیگری داریم، اختلافات زیادی داریم باید این را حل کنیم و تمام شود حال در حل این اختلافات، ملت ایران مجبور باشد از اصول خود و خط قرمزها صرف نظر کند؛ طرف مقابل از اصول و ارزش هایش تنازل پیدا نمی کند ولی ما باید تنازل پیدا کنیم تا در نتیجه کشور بتواند از ظرفیت های خود استفاده کرده و به اقتصاد برجسته ای برسد. حرفشان این است. بنابراین در قضیه هسته ای توافق شد اسمش را گذاشتیم برجام؛ برجام دیگری در قضایای منطقه و قانون اساسی کشور؛ برجام 2 و 3 و غیره باید به وجود بیاید تا بتوانیم راحت زندگی کنیم. این منطقی است که سعی می کنند در میان نخبگان جامعه و از سوی نخبگان جامعه به افکار عمومی جامعه منتقل کنند.

* معنای این حرف چیست؟ معنای این حرف این است که جمهوری اسلامی از مسائل اساسی که به حکم اسلام و برجستگی های نظام جمهوری اسلامی به ان پایبند است صرف نظر کند. از فلسطین و حمایت از مقاومت در منطقه صرف نظر کند. از مظلومان منطقه مانند مردم یمن، بحرین و غیره پشتیبانی و حمایت سیاسی نکند و آنچه را که طرف مقابل به دنبال تحقق ان است، نظام ما با تعدیل خواسته های خود، خود را به آن زندگی کند. معنایش این است که همچنانی که امروز برخی از کشورهای منطقه و دولت های منطقه، علی رغم حکم اسلام، خواست ملت هایشان، دولت ها با رژیم صهیونیستی کنار آمده اند و مسئله فلسطین را تحت الشعاع مسائل دیگر قرار داده اند جمهوری اسلامی هم به همین ترتیب عمل کند. معنایش این است که همچنانی که امروز برخی از دولت های عربی با کمال وقاحت دست دوستی به سمت دشمن صهیونیستی دراز می کنند جمهوری اسلامی هم اشتهی کند. البته قضیه به اینجا ختم نمی شود. معنای آن چه که ادعا می شود در آن تحلیل سیاسی دشمن معنایش این است که جمهوری اسلامی، اگر میل آمریکاست حتی از ابزار های دفاعی خود هم صرف نظر کند.

* بر روی مسئله موشک ها چه جنجالی به راه انداختند. چرا موشک دوربرد دارد. چرا دقیق هدف را می زنند و هدف قرار می دهند. چرا آزمایش کردید و چرا تمرین نظامی می کنید. حالا امریکایی ها در منطقه خلیج فارس که چند هزار کیلومتر با کشورشان فاصله دارد هر چند وقت یکبار با یکی از کشورهای منطقه رزمایش به راه می اندازند درحالی که در اینجا هیچ مسئولیتی ندارند. ایران در حریم امنیت خود و خانه خود رزمایش می کند، جنجال این ها بلند می شود که چرا نیروی دریایی و هوایی شما این کار را کرده است.

* از این هم قضیه هم بالاتر است. تدریجاً موضوع را به این خواهند کشاند که چرا اصلاً نیروی قدس تشکیل شده؟ چرا سپاه تشکیل شده است؟ چرا باید سیاست های داخلی جمهوری اسلامی طبق قانون اساسی، چرا باید با اسلام تطبیق پیدا کند؟ شما وقتی در مقابل دشمن در حالی که می توانید ایستادگی کنید؛ عقب نشینی کردید دشمن جلو می آید و متوقف نمی شود. این همان چیزی است که بارها عرض کرده ام. این تغییر سیرت جمهوری اسلامی است. ممکن است صورت باقی بماند ولی از محتوای خود به کلی تهی شود. دشمن این را می خواهد و. اگر جمهوری اسلامی بنا بر این تحلیل دشمن خواسته، بنا بر تحلیل که ان ها تزیق می کنند در اذهان نخبگان و افکار عمومی ملت، اگر جمهوری اسلامی و ملت ایران می خواهد از شر امریکا راحت شود باید از محتوای جمهوری اسلامی و اسلام دست بردارد. از مفاهیم اسلامی و امنیت خود باید دست بردارد. آنچه که در این تحلیل نادیده گرفته شده است، چند مطلب است.

* در همین توافقی هم که با امریکایی ها کردیم در قضیه هسته ای؛ در این قضیه هم امریکایی ها، به آنچه وعده دادند عمل نکردند. کاری که باید انجام می دادند را انجام ندادند. به تعبیر وزیر خارجه ما روی کاغذ کارهایی را انجام دادند ولی از راه های انحرافی متعدد جلوی تحقق مقاصد جمهوری اسلامی را گرفتند.

* امروز در سرتاسر کشورهای غربی و کسانی که تحت تاثیر ان ها هستند همچنان معاملات بانکی ما دچار مشکل است و بازگرداندن ثروت های ما دچار مشکل است. وقتی تحقیق می کنیم و دنبال می کنیم معلوم می شود که از امریکایی ها می ترسند و گفتند که ما تحریم را بر می داریم و روی کاغذ هم برداشتند اما از طرق دیگر طوری عمل می کنند که اثر رفع تحریم ها مطلقاً به وجود نیاید.

* بنابراین کسانی که امید می بندند که بنشینیم با امریکا مذاکره کنیم و به نقطه توافقی برسیم؛ از این غفلت می کنند که ما باید به همه تعهدات عمل کنیم اما طرف مقابل با شیوه های مختلف و تقلب و خدعه سر باز می زند و عمل نمی کند به تعهداتش. این

چیزی است که در مقابل چشم خود می بینیم. یعنی خسارت محض.

* در منطقه غرب آسیا، کشور عزیز شما گل منطقه است. اولاً از لحاظ جایگاه راهبردی، موقعیت استراتژیکی یک کشور بی نظیر است. از لحاظ منابع نفت و گاز در هم منطقه و با یک نگاه از همه دنیا امتیاز دارد. غیر از نفت و گاز منابع دیگری هم دارد. این گل منطقه یک روزی یک جا در قبضه کامل امریکا بود. هرکاری می خواستند، را انجام می دادند؛ غارت می کردند ثروت ها را و همه کارهایی که یک دولت مستکبر با یک کشور ضعیف انجام می دهد این ها با ما کردند. این جا را در پنجه اقتدار خود داشتند. انقلاب اسلامی این کشور را از پنجه آن ها بیرون کشانده کینه انقلاب از دل سیاست امریکا خارج نمی شود. وقتی دشمنی ان ها تمام می شود که بار دیگر همان سلطه را در کشور دوباره تجدید کنند. هدفشان این است.

کارشان را البته بلند و سیاست مدارند و باید به تدریج حرکت کرد. چشم ما باید باز باشد. باید حواسمان جمع باشد. جمهوری اسلامی نه فقط ایران را از دست این ها خارج کرد بلکه با روحیه مقاومتی که نشان داد و دلیری ای که نشان داد؛ موجب تشویق کشورهای دیگر هم شد. امروز ببینید که در کشورهای متعددی در این منطقه و حتی فراتر از منطقه، مرگ بر امریکا می گویند. ملت ایران نشان داد که می تواند مقاومت کند و دیگران یاد گرفتند و سررشته از دست امریکا خارج شده است. امریکایی ها اعلام کردند که می خواهند خاورمیانه بزرگ درست کنند. مقصود این بود که در این منطقه غرب آسیا؛ در قلب کشورهای اسلامی؛ دولت جعلی رژیم صهیونیستی را بر همه قلوب این منطقه مسلط کنند. هدف این بود. الان نگاه کنید همان هایی که شعار خاورمیانه بزرگ می دادند در قضیه عراق و سوریه و یمن و فلسطین درمانده اند. این ها را از چشم ایران می بینند. دشمنی ان ها با جمهوری اسلامی اینگونه است. سر یک ذره و دو ذره نیست. مسئله اساسی است. دارن حرکت می کنند بیان به این سمت بلکه بتوانند سلطه قدیمی خود را برقرار کنند.

*مهم ترین سنگر رژیم های مستکبر اول انگلیس بعد امریکا عبارت است از خود رژیم دست نشانده طاغوت. رژیم طاغوت سنگر ان ها بود. هرکاری می خواستند این کار را می کردند و هر فعالیت اقتصادی و فرهنگی و سیاسی و جابه جایی و موضع گیری که مایل بودند را این کشور را این طرف و ان طرف می کشانند. از سنگر رژیم طاغوت. خود این رژیم مهم ترین سنگر امریکا و انگلیس در این کشور بود.

انقلاب آمد این سنگر را نابود کرد و از بین برد و ریشه کن کرد. حکومت پادشاهی را در کشور ریشه کن کرد. به جای حکومت پادشاهی خصوصی را حاکمیت مردمی را به وجود آورد. روزی بود در این کشور می گفتند مملکت صاحب دارد کی بود، شاه بود صاحب مملکت یعنی یه عنصر فاسد، وابسته و نالایق و تهی از غیرت ملی. جمهوری اسلامی این صاحب دروغین را گذاشت کنار و داد به دست صاحبان اصلی اش. این نخستین سنگر دشمن بود که انقلاب اسلامی این سنگر را در هم ریخت.

* سنگرهای دیگری هم بود. عوامل روانی و عینی سنگرهایی را گذاشتند. یکی ترس بود. سنگر ترس از قدرت ها. کاری کرده بودند که در کشور که ترس از قدرت امریکا بر همه دل ها حاکم بود. در این دهه های اخر امریکا، قبلش هم انگلیس. هر حادثه ای در کشور اتفاق می افتاد می گفتند کار انگلیسی هاست. این ترس مخصوص مردم نبود. خود سردمداران رژیم هم می ترسیدند از امریکا. این خاطراتی که عوامل رژیم نوشتند و بعد از انقلاب منتشر شده نشان می دهد که در مواردی خود محمدرضا و عوامل نزدیک به او از امریکایی ها ناراضی بودند و لی از ترس مجبور به اطاعت بودند. انقلاب اسلامی آمد و این سنگر ترس را منهدم کرد.

* امروز در جمهوری اسلامی یک عنصر آگاه مطلع و متکی به ارزشهای دینی را پیدا نمی کنید که از امریکا بترسد. ملت ترس دور انداخت. نه فقط ترس از امریکا را بلکه ترس از همه جبهه استکبار را ملت دور ریخت. در جنگ تحمیلی 8 ساله که باز متاسفانه جوانان ما آن دوران طلایی و نورانی را درک نکردند. در آن دوران امریکا به صدام کمک می کرد. شوروی ان روز و ارتجاع عرب با همه نالیافتی با همه ضعفی که داشت به آن کمک می کردند و شرق و غرب جبهه واحدی شده بودند به نفع صدام و علیه جمهوری اسلامی اما جمهوری اسلامی ایستاد و برهمه پیروز شد. بعد از 8 سال نتوانستند یک وجب از خاک ایران جدا کنند. امروز انسان های آگاه و متکی به ارزش های اسلامی از امریکا نمی ترسند. امروز هم شاید کسانی بترسند اما این غیرعقلایی است. اگر ترس محمدرضا از امریکا عقلایی بود ترس این ها غیرعقلایی است چرا که پشتیبانی مثل مردم نداشتند اما جمهوری اسلامی پشتیبانی قوی مانند این مردم را دارد.

* یکی از سنگرهای دشمن برای تسلط بر کشور ما، عبارت بود از تزریق بی اعتقادی به خود. بی اعتمادی به خود. نداشتن اعتماد به نفس ملی. در مقابل چشمشان زرق و برق غربی ها را مشاهده می کردند. در خودشان این چیزها نبود لذا احساس بی اعتمادی به خود می کردند. ان روز یکی از ارکان دولت، در دوران پهلوی گفت که ایرانی باید برود لول هنگ بسازد. می گفت ایرانی لیاقتش همین است. ایرانی را چه به اختراعات. یک نفر دیگر از برجستگان ان دوران می گفت اگر می خواهد پیش برود باید بشود غربی و اروپایی. یعنی به خودشان باور نداشتند. انقلاب آمد این ناباوری را به کلی تبدیل کرد به اعتماد ملی و باور به

خود. اعتماد به نفس ملی. امروز جوان ایرانی می گوید ما می توانیم در بسیاری از موارد پیشرفت های علمی داشته باشیم. جوان های ما گاهی اوقات فکر های نوعی مطرح می کنند که دستگاه های مسئول نمی توانند جمع و جور کنند. وقتی باور به خود نبود، پیشرفت هم نیست. وقتی ما می توانیم شعار ما باشد، توانایی هم می آید. امروز این را مشاهده می کنیم.

* 50 سال در این کشور در دوران طاغوت دانشگاه در این کشور وجود داشت. در این دانشگاه هم اساتید خوب و متعهدی بودند هم دانشجویان با استعدادی. تعداد خیلی کمتر بود از امروز اما همان ها ایرانی بودند. یک حرکت علمی، یک پدیده نوی علمی در تمام طول این 50 سال وجود نداشت. چرا؟ چون باور نمی کردند که بتوانند چون اطمینان نداشتند و این بی اطمینانی را در اذهان ملت تزریق کرده بودند. امروز هر روز یک نوآوری داریم در کشور. وقتی دشمنان این ها را می بینند، عصبانی می شوند. امروز در کشورهای پیشرفته جزو 10 کشور اول دنیاست با وجود تحریم. در زمینه نانو و هسته ای می بینیم پیشرفت هارا. یکی از سنگرهای دشمن در ایران، ناباوری به خود بود.

* سنگر دیگر، از سنگرهای دشمن جدایی دین از سیاست بود. به همه باورانده بودند که دین باید در محیط نظام اجتماعی و سیاست دخالت نکند. حال آن هایی که با دین سر و کار نداشتند جای خود. حتی متدینین حتی برخی از علمای دین باور نمی کردند که اسلام بتواند در مسائل سیاسی دخالت کند. این درحالی است که اصل تولد اسلام در اول، با رویکرد سیاسی بود. پیغمبر اکرم اولین کاری که کرد در مدینه حکومت تشکیل داد اما این باور را در ذهن ها گنجانده بودند. جمهوری اسلامی این سنگر را هم منهدم کرد. امروز درباره مسائل کشور از دیدگاه قانونی و اسلامی جوانان در دانشگاه ها و کشور فعالیت می کنند. دانشجویان ما در زمینه های بسیاری چه برسد به حوزه ها و طلاب.

* دشمن؛ مقصود دولت امریکاست که البته می گویند ما دشمن نیستیم؛ پیام نوروزی دادند به ما و برای جوانان دلسوزی کردند. یا در کاخ سفید سفره هفت سین پهن کردند که این ها بچه گول زنی است. از آن طرف تحریم ها را حفظ می کنند و وزارت خزانه داری امریکا با طرق خود جوری عمل می کند که شرکت های بزرگ و بانک های بزرگ جرات نکنند با جمهوری اسلامی معامله کنند که دشمنی محض است. تحریم و تهدید می کنند که دشمنی محض است. اما از طرف دیگر می گویند که برای جوانان ایرانی دنبال کار هستیم. این ها را کسی باور نمی کند.

* این ها ملت ما را هنوز نشناخته اند. ملت ایران، ملتی فهیم و آگاهی است و دشمنان خود را می شناسد. بله ما، با مردم امریکا مشکل نداریم ما با هیچ احاد مردمی مشکل نداریم. ما با سیاستمداران کار داریم؛ دشمن آن ها هستند.

* واقعیت هایی وجود دارد. از سرمایه های فراوانی که در کشور وجود دارد. ظرفیت های فراوان. هم سرمایه های طبیعی هم انسانی، هم فرصت های بین المللی داریم. به خاطر این سرمایه ها امروز کشور ظرفیت پیشرفت فوق العاده ای در درون خود دارد. امروز جمهوری اسلامی به یک قدرت اثرگذار در سطح منطقه و در مواردی در سطح جهان تبدیل شده است و این یک واقعیت است. قدر خود را بدانیم. عظمت این ملت را بدانیم.

* آمریکا به دلایل واضحی با ما دشمن است. مرادمان سیاستمداران امریکا و سیاست های ان هاست. در قضیه برجام بدعهدی کردند. به تحریم های دیگری ما را تهدید کردند. وزیر خزانه داری امریکا به شدت شبانه روز مشغول کار است که جمهوری اسلامی نتواند از نتایج برجام استفاده کند و بهره مند شود. مرتباً تهدید می کنند. الان هم انتخابات ریاست جمهوری امریکا چند ماه دیگر شروع خواهد شد و 9 ماه دیگر این دولت عوض خواهد شد. دولتی که بعداً به وجود خواهد آمد هیچ تضمینی وجود ندارد که همین تعهدات اندک را هم اجرایی کند. نامزدهای انتخاباتی امریکا الان در بدگویی به ایران مسابقه گذاشته اند. وقتی می گوئیم دشمن است امریکا، عده ای منزجر می شوند. این ها دشمنی است دیگر؛ فراموش نکنید که ما گفتیم ملت و دولت باید همدل و همزبان باشند. باید کار کنند همه و به دولت کمک کنند. اگر راهنمایی هم دارند، بگویند.

واقعیت دیگر این است که این دشمن به ظاهر مقتدر، ابزارهای دشمنی اش نامحدود نیست. چند ابزار اساسی دارد که ابزار های فعال اوست. یکی تبلیغات و ایران هراسی است و یکی نفوذ و دیگری هم تحریم.

یکی از 3 ابزار موثر دشمن، تحریم است. دشمن احساس کرده که کشور ما و ملت ما از تحریم ضربه می بیند متأسفانه ما خودمان هم تقویت کردیم. در برهه ای تحریم را بزرگ کردیم. هی گفتیم تحریم است تحریم است؛ از آن طرف هم برداشتن تحریم ها را تقویت کرده و بزرگ نمایی کردیم که اگر برداشته شود این اتفاق خواهد افتاد و ان اتفاق که پیش نیامد که اگر همین روال پیش برود هم اتفاق نخواهد افتاد و لذا احساس کرده که با ابزار تحریم می تواند کار را پیش ببرد.

یک دوراهی را دشمن نشان می دهد به ما. این دوراهی دروغ است. اما دو راهی دیگری هم وجود دارد. یا باید مشکلات تحریم را تحمل کنیم یا ایستادگی کنیم به وسیله اقتصاد مقاومتی.

اقدام و عمل نیاز است. کارهایی که باید انجام گیرد در زمینه اقدام و عمل؛ البته دولت در زمینه اقتصاد مقاومتی کارهایی کردند ما گفتیم ستاد فرماندهی تشکیل دهید که تشکیل شده و معاون اول رئیس جمهور محترم را در راس گذاشتند و گزارشی داده اند که در پیام ابتدای سال به ملت عرض کردم. منتها کار مقدماتی است. گزارش دادند که بر اثر فعالیت های انجام شده تراز بازرگانی مثبت شده است. یعنی صادرات غیر نفتی ما از واردات بیشتر است که خبر خوبی است. واردات ما نسبت به سال گذشته ان کمتر شده که منتها کفایت نمی کند و کار با این ها تمام نمی شود. کار اساسی باید انجام گیرد.

اول باید فعالیت ها و زنجیره های اقتصادی مزیت دار کشور را مسئولان دولتی شناسایی کنند و بر ان ها متمرکز شوند. برخی از فعالیت های اقتصادی در کشور اولویت دارد مانند مادر می ماند از ان باب های اقتصادی و تولیدی گشوده می شود و نقشه راه را مشخص کند و تکلیف همه را معلوم کنند.

دومین مسئله؛ زنده کردن تولید داخلی است. ما امروز ان طور که به من گزارش دادند حدود 60 درصد از امکانات تولید ما معطل و تعطیل است. برخی به کمتر از ظرفیت کار می کنند یا برخی کار نمی کنند. باید تولید را احیا کرده و زنده کنیم. راه دارد و این راه را خیلی از اقتصاد دانان بلدند و من به مسئولان دولتی مکررا گفتم که منتقدین را بخواهید و حرفایشان را بشنوید حرف های خوبی دارند.

کار دیگر این که ما بلاخره تجارت خارجی داریم؛ باید وارد کنیم لیکن توجه کنیم که این خرید های ما قدرت داخلی و تولید داخلی را تضعیف نکند. فرض کنید؛ ما می خواهیم هواپیما وارد کنیم یا خریداری کنیم به ما گفته می شود؛ مسئولان دولتی می گویند که اگر چنانچه این درصد از این قیمت را در صنایع داخلی هواپیما سرمایه گذاری کنیم بیش از این که از خارج خریداری کنیم؛ داخل رشد خواهد یافت. نگاه نکنید که این خرید و واردات ما چه بلایی سر تولید داخلی می آورد این خطاست. در خرید ها کاری کنیم که تولید داخلی تضعیف نشود.

ما پول هایی داریم در خارج از کشور؛ در قضیه برجام بنا بر این شد که پول ها برگردد که اکثر ان برنگشته است و دچار مشکل است. انسان دست امریکایی ها را پشت این مشاهده می کند. لیکن بدجنسی برخی دستگاه های امریکایی موجب شده که بر نگردد. وقتی برگشت هرچند ده میلیاردی که هست وقتی برگشت، این ها در مصارفی به کار نرود که پول هدر بشود. این پولی است که وارد کشور می شود و کشور نیاز دارد. در درجه اول تولید است. مواظب باشند که پولی که وارد می شود از بین نرود. صرف خرید های بیمورد و کارهای بی جا و اسراف ها نشود. مدیریت منابع مالی که از بانک ها و مراکز خارجی وارد می شود.

مسئله پنجم؛ بخش هایی در اقتصاد ما وجود دارد که مهم است مانند نفت و گاز. با بخش تولید موتور، برای خودرو و هواپیما و کشتی که مورد استفاده است. این بخش های حساس و مهم دانش بنیان شود. این که می گوئیم اقتصاد دانش بنیان . جوانان و دانشمندان نشان دادند که یم توانند نوآوری کنند و از سطحی که داریم بالاتر ببرند. ان مغزی که می تواند موشک برد بلند را طوری تنظیم کند که با انحراف 2متر بر سر هدف بخورد کار کوچکی است؟ ان مغزی که می تواند این کار را بکند در موارد دیگر هم پیشرفت کرده و سطحی را بالا ببرد.

همین الان در کشور ما بنگاه های اقتصادی و تولیدی هست که محصولاتشان از مشابه خارجی بهتر است.

برخی بخش ها را در کشور سرمایه گذاری کردیم در گذشته مانند نیروگاه سازی. در زمینه پتروشیمی همینطور. امروز کشور به نیروگاه نیاز دارد که ما دیگر از بیرون نیاوریم کسانی را که برای ما بسازند. این بخش ها را احیا و استفاده کنیم.

در همه معاملات خارجی که انجام می دهیم انتقال فناوری را شرط کنیم. البته برادران ما در دولت گفتند که این کار را انجام دادیم. فرض کنید یک شی تولیدی جدیدی را می خواهند بسازند، تولید شده را نخرند، شی را با فناوری مخصوص خود خریداری کنند.

با فساد مبارزه جدی شود. با ویژه خواری مبارزه جدی شود. با قاچاق مبارزه جدی شود. این ها به اقتصاد کشور لطمه می زند و ضررش با مردم است. اگر ما در مقابل ان مجموعه ای که با زد و بست هایی، در زمینه مسائل اقتصاد ویژه خواری می کند و از امتیازات ویژه برخوردار می کنند یا دچار فساد پولی و مالی می شوند اگر سهل انگاری کنیم در برخورد؛ نباید بشود.

حال یک مجرم اقتصادی را دستگیر کردند؛ با اهداف جناحی روزنامه ها می نویسند. این ها فایده ندارد. باید آنچه که امروز ممکن است پیش بیاید باید جلوی ان را بگیرند. باید با قاچاق به معنای واقعی کلمه مبارزه کنند.

مطلب دیگر بهره‌وری انرژی را، افرادی که آگاهند به این مسئله؛ ادعا می‌شود که اگر بتوانیم بهره‌وری انرژی را بالا ببریم و صرفه‌جویی کنیم 100 میلیارد دلار صرفه‌جویی خواهد شد. این همه کار داره انجام می‌گیرد، برخی غیر لازم و برخی مضر، کار را متمرکز کنند در این بخش.

اگر واقعی بررسی کنند؛ که البته شنیدم مصوبه مجلس است ارتقای بهره‌برداری از انرژی باید انجام گیرد.

به صنایع کوچک و متوسط نگاه ویژه کنند. این که گفتیم الان چند هزار کارگاه و کارخانه متوسط و کوچک در کشور هست. اگر چنانچه امارتی که به بنده دادند که 60 درصد از این‌ها دچار بی‌کاری و تعطیلی هستند این خسارت است. آن چیزی که در متن جامعه اشتغال و تحرک ایجاد می‌کند همین صنایع کوچک و متوسط است.

این می‌شود حرکت انقلابی و اقتصاد مقاومتی که کشور را نجات خواهد داد و اگر انجام دهیم تحریم‌ها در ما اثر نمی‌کنند. احتیاج نداریم که از اصول و خط قرمزهای خود صرف نظر کنیم تا امریکا نتواند ما را تحریم کند. ما می‌توانیم با دنبال کردن همین سیاست اقتصاد مقاومتی به معنای عملی مسئله و اقدام عملی موضوع کشور را مصونیت‌سازی کنیم و مصونیت دهیم کشور را تا در مقابل تحریم به خود نلرزیم. اگر اقتصاد مقاومتی محقق شد تحریم دشمن تاثیر چندانی نخواهد داشت. اگر کردیم آخر سال 95 مسئولان دولتی می‌توانند بگویند که این چند هزار کارخانه و کارگاه و دامداری و غیره را احیا کردیم. می‌توانند گزارش دهند و مردم ببینند و حس کنند. وقتی مردم حس کردند آن وقت اعتماد و اطمینان پیدا خواهند کرد.

مردم چه افراد سیاسی و اقتصادی و احاد باید به مسئولان کشور کمک کنند. البته باید هر سه قوه همکاری کنند تا کار پیش برود. این کمک لازم است. جدیت مسئولین به خصوص قوه مجریه لازم است. اگر این را بتوانیم این حرکت را راه بیندازیم. این جریان انقلابی است هم سرعت خواهد داشت و هم موفقیت.

کاری که شهدای هسته‌ای پیش‌آهنگ آن بودند؛ در زمینه‌های هسته‌ای. کاری که شهید تهرانی مقدم پیش‌آهنگ آن بود. کاری که شهید کاظمی پیش‌آهنگ بود در زمینه سلول‌های بنیادی. این‌ها کار بسیار بزرگی است. شهید اوینی و مرحوم سلحشور در زمینه فرهنگی پیش‌آهنگ بودند؛ این‌ها پیشروان کارهای انقلابی در کشور هستند و بارها تاکید کردم که نیروهای حزب‌اللهی و انقلابی را باید گرامی بداریم.

مسائل فرهنگی بسیار مهم است و اهمیت بسیار زیادی می‌دهم. مجموعه‌های خودجوش مردمی که کار فرهنگی می‌کنند که در سراسر کشوری هزاران مجموعه خودجوش مردمی است که دارن کار می‌کنند و فکر می‌کنند و کار فرهنگی می‌کنند باید روز به روز توسعه پیدا کنند و دستگاه‌های دولتی به این‌ها کمک کنند و به جای اینکه اغوش خود را به روی کسانی که نظام و ارزش‌های اسلامی را قبول ندارند باز کنند به روی بچه‌های حزب‌اللهی و انقلابی باز کنند. کارهای فرهنگی با ارزش دارد انجام می‌گیرد و در تمام زمینه‌ها می‌توانند جوانان انقلابی کار کنند، امروز و فردا برای جوانان است. جوانان بدانند که اگر شما در میدان باشید و اگر باور به خود داشته باشید امریکا و بزرگ از امریکا هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند.